

Revision of laws, roles and functions in the realization of a proper legislative system

Reza Faramarzi¹, Kheirollah Parvin^{*2}, Amin Pasha Amiri³

1. Doctoral student of public law, Tehran branch of Islamic Azad University of Tehran, Iran

2 Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

3 Assistant Professor, Department of Public Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 89-117

Received: 2021 May 25

Revised: 2021 October 13

Accepted: 2021 October 29



Abstract

Proper legislation, in addition to enacting laws that must have all the conditions and characteristics of a good law, such as: observance of the essential, formal and ceremonial principles of legislation, in the legislative dimension should also reduce the number of laws and improve the efficiency and quality of norms and Ultimately lead to the realization of the rule of law. In this study, using library studies and adopting a descriptive analytical approach, in response to the role and function of revision in the implementation of appropriate legislation, we came to the answer that: the function of revision of laws at two levels, posterior (after legislation) and a priori (during Legislation) can be reviewed. Subsequent revision is the recognition of the applicable law, where the inflation of the laws, the conflict of several laws, the complexity of the laws, etc. make it difficult to recognize the ruling law. But the revision during the situation was related to the legislative stages that; Preparing the legal system environment to increase the quality of laws, legislation based on real needs, reducing legislative inflation or extremist legislation, no need to amend and repeal laws, assigning former laws, etc. are some of its legislative functions to achieve appropriate legislation.

Keywords: Revision of laws, revision of status, proper legislation, legislative inflation, coherence of laws.

* Corresponding Author: khparvin@ut.ac.ir

تنقیح قوانین، نقش ها و کارکردها در تحقق نظام مبتنی بر قانونگذاری شایسته

رضا فرامرزی^۱، خیراله پروین^{۲*}، امین پاشای امیری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

۲. استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.



چکیده

در نظام مبتنی بر قانون گذاری شایسته، علاوه بر وضع قوانینی که باید تمامی شرایط و صفات یک قانون «خوب» و «مطلوب» مانند: رعایت اصول ماهوی، شکلی و تشریفاتی قانونگذاری را داشته باشد، در بعد تقنینی نیز باید منجر به کاهش تعداد قوانین و ارتقای کارآمدی و کیفیت هنجارها و در نهایت منتج به تحقق حاکمیت قانون گردد. در این پژوهش با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای و اتخاذ رویکردی تحلیلی توصیفی، در پاسخ به نقش و کارکرد تنقیح قوانین و مقررات در تحقق قانونگذاری شایسته، به این پاسخ رسیدیم که: کارکرد تنقیح قوانین در دو سطح پسینی (پس از وضع قوانین) و پیشینی (حین وضع قوانین) قابل بررسی است. تنقیح پسینی، تشخیص قانون حاکم و لازم الاجراست، در جایی که تورم قوانین، تعارض چند قانون باهم، پیچیدگی قوانین و... تشخیص قانون حاکم را دشوار می کند. اما تنقیح حین وضع (پیشینی)، ناظر به مراحل تقنین و تدوین و تصویب بوده که؛ آماده سازی فضای نظام حقوقی برای افزایش سطح کیفی قوانین، تقنین براساس نیازهای واقعی، کاهش تورم تقنینی یا قانونگذاری افراطی، عدم نیاز به اصلاح و نسخ مکرر قوانین، تعیین تکلیف قوانین سابق و... از کارکردهای تقنینی تنقیح پیشینی محسوب می گردد که گامی مهم برای تحقق نظامی مبتنی بر قانونگذاری شایسته است.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۸۹-۱۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۷



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: تنقیح قوانین، تنقیح حین وضع، قانون گذاری شایسته، تورم تقنینی.

درآمد

امروزه همه معادلات و روابط اجتماعی بر اساس قوانین و مقررات شکل می‌گیرد. شهروندان در زندگی روزمره خود، ناگزیر از رعایت قوانین متعددی هستند که حجم آن، گاه تکلیف رعایت قوانین را با دشواری مواجه می‌سازد. استفاده بیش از حد از قوانین، باعث کاهش کیفیت و ناکارآمدی آنها شده، امری که یکی از مهم‌ترین موانع حکمرانی خوب محسوب می‌شود. قدرت، نفوذ و تأثیرگذاری قوانین و تعدد توسل به قانون‌گذاری، اندیشمندان را بر آن داشته تا علاوه بر ویژگی‌های عام و شکلی قوانین، ویژگی‌های کیفی آنها را نیز مورد توجه قرار داده و قانونگذاری خوب و شایسته را مطرح نمایند. تا راه حلی برای برون رفت از وضع موجود و ارتقای کیفیت قوانین باشد. به عبارت دیگر، هدف اصلی این نظام، ارتقای سطح کیفیت قوانین و غرض‌نهایی آن، ارتقای سطح حکمرانی خوب می‌باشد.

اندیشمندان حقوقی از جهات گوناگون، اصول قانونگذاری را مورد توجه و مطمح نظر قرار داده‌اند. آنچه مهم است، جدای از ویژگی‌های عام و شکلی، که یک قانون باید داشته باشد، لازم است که قواعد حقوقی به منظور ایجاد شرایط عادلانه در روابط اجتماعی و همچنین تضمین حقوق و آزادی‌های افراد جامعه، از کیفیت مناسبی نیز برخوردار باشند. امروزه توجه به شاخصه‌های مطلوب شکلی و کیفی قوانین در برخی کشورها مورد توجه ویژه قرار گرفته و برای قانونگذاری، مجموعه‌ای از ضوابط و ویژگی‌ها که در طی سالیان متمادی تجربه حکمرانی، صورت‌بندی شده است وجود دارد. این اصول از منظرهای مختلف قابل دسته‌بندی است که یکی از مشهورترین آنها، دسته‌بندی «والدرون» از اصول مذکور تحت عناوین اصول ماهوی، شکلی و تشریفاتی است (والدرون: ۱۳۸۸، ۱۱۵-۱۳۶) در واقع این اصول، شاخصی برای تفکیک و تمیز قانون و قانونگذاری خوب و شایسته، از غیر آن محسوب می‌شود. همچنین این اصول، از نظر بسیاری از صاحب‌نظران در پرتو نظریه حاکمیت قانون تبیین شده است. این اصول متناظر با کیفیت قانونی است که باید در خدمت شهروندان و تأمین امنیت و تضمین حقوق آنها باشد (مرکز مال‌میر و مهدی زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۸) همچنین توجه بر شیوه‌های بهبود نظام قانونگذاری، مسئله مورد بحث و بررسی صاحب‌نظران بوده است؛ چرا که قانونگذاری نیز

مانند دیگر رویه‌ها و فرآیندها در جامعه، نیازمند ارتقا و بهبود مستمر است. در قانونگذاری شایسته، آنچه در نخستین نگاه مورد توجه قرار می‌گیرد، شیوه نگارش قانون و واژه‌هایی است که در آن بکار می‌رود. بنابراین تمرکز اکثر نظریه پردازان حقوقی به حالت‌های شکلی و ماهوی قوانین است. هرچند پرداختن به شیوه نگارش یکی از روش‌های موثر بر قانونگذاری شایسته می‌باشد. اما باید اوصاف و ویژگی‌هایی فراتر از این حالت‌ها جستجو کرد. در نظام مبتنی بر قانون گذاری شایسته، باید علاوه بر وضع قوانینی که جامعه و افراد را در مسیر اهداف و آرمان‌های آن جامعه قرار می‌دهد، در بعد تقنینی، کاهش تعداد قوانین و ارتقای کیفیت هنجارها به ویژه قوانین مصوب پارلمان را به همراه داشته باشد. همچنین باید آثار هنجارهای حقوقی را به منظور جلوگیری از آثار نامطلوب و ناخواسته، و نیز تصحیح آثار بعدی نامطلوب و ناخواسته آن، پیش و پس از تصویب، مورد مطالعه قرار دهد. به علاوه در قانون گذاری شایسته، باید با نقد عوامل متعدد، آنچه را تورم قانونگذاری و افت کیفیت قانونگذاری نامیده می‌شود، به حداقل رسانده و یا در صورت امکان حذف نماید.

یکی از مواردی که می‌تواند در تحقق نظامی مبتنی بر قانونگذاری شایسته، نقش داشته باشد، تنقیح قوانین و مقررات است. علی‌رغم پراکندگی و تشتت نظریاتی که در تعریف تنقیح وجود دارد می‌توان گفت؛ تنقیح، فرآیند گردآوری و تدوین قوانین با تعیین مقررات مغایر و متعارض و ناسخ و منسوخ در یک مجموعه، برای تشخیص و تمییز قوانین حاکم و لازم‌الاجرا می‌باشد. تنقیح قوانین در دو سطح پسینی (پس از وضع قوانین) و پیشینی (حین وضع قوانین) دارای نقش و کارکرد است. تنقیح پسینی، شناسایی قانون حاکم و لازم‌الاجراست، در جایی که تورم قوانین، تعارض چند قانون باهم، پیچیدگی قوانین و... تشخیص قانون حاکم را با دشواری مواجه می‌کند. این امر باعث تحقق اصولی چون؛ شفافیت، انسجام و یکپارچگی، سهولت دسترسی و... می‌شود. تا با آگاه نمودن شهروندان از حقوق خود موجبات تضمین اصل امنیت حقوقی و در گامی فراتر، منجر به تحقق حاکمیت قانون در جامعه گردد. اما تنقیح حین وضع، ناظر به مراحل تقنین بوده که؛ آماده سازی فضای نظام حقوقی برای افزایش سطح کیفی قوانین، تقنین براساس نیازهای واقعی، کاهش تورم تقنینی یا قانونگذاری افراطی، عدم نیاز به اصلاح و نسخ مکرر قوانین، تعیین تکلیف قوانین سابق و... از کارکردهای تقنینی

آن برای تحقق قانونگذاری شایسته است.

تبیین اصول، فنون و شیوه های قانونگذاری و بیان مفاهیم، علل، روش ها و ... تنقیح قوانین ومقررات، از موضوعاتی است که مورد توجه صاحب نظران و متفکرین حقوقی قرار گرفته و آثار و یافته های فراوانی در این خصوص به رشته تحریر درآمده است. بنابراین اساسی ترین وجوه این بحث که کاملاً متمایز با آثار و یافته های مسبوق است و با روش توصیفی - تحلیلی بدان پرداخته شده اولاً؛ تبیین اجمالی نظام «قانونگذاری شایسته» و بیان برخی ویژگی ها و آثار آن است. ثانیاً؛ نقش ها و کارکردهایی است که تنقیح در فرآیند وضع و تدوین قوانین ومقررات ایفا می کند. موضوعاتی که کمتر مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان این حوزه قرار گرفته است. اما بنیادی ترین رسالت نوشتار حاضر جمع میان این وجوه است، یعنی تبیین کارکردی از تنقیح که می تواند بستری برای دستیابی به «نظام مبتنی بر قانونگذاری شایسته» گردد. و از این حیث کاملاً بدیع و نو بوده و می تواند در آینده بیشتر مود توجه و مطالعه قرارگیرد.

۱. مفهوم شناسی تنقیح قوانین ومقررات

۱-۱. مفهوم لغوی

تنقیح در ادبیات عرب از ریشه ی «ن ق ح» و به معنای بیرون کردن مغز شیء (بیهقی ۱۳۷۹: ۸۱) چیدن و هرس کردن، (فراهیدی ۱۴۱۰: ۵۰) اصلاح و نیکو گردانیدن (ابن اثیر بی تا: ۱۰۳) چیزی را پوست کندن و پاک نمودن، (واسطی ۱۴۰۴: ۲۳۹۰) و همچنین نیک پیراستن و تهذیب از زوائد و عیوب است. (ابن منظور ۱۴۱۴: ۹۲۵) پاکیزه کردن، اصلاح نمودن کلام از عیب و نقص است.

۲-۱. مفهوم اصطلاحی

با تأمل در فرآیند تنقیح ملاحظه می گردد که تعاریف ارائه شده از آن نیز متفاوت است، و تعریف یکسانی از آن وجود ندارد؛ برخی قایل به برداشت شکلی از مفهوم تنقیح شده و آن را با «تدوین» به یک معنا دانسته اند «تنقیح قوانین یعنی تدوین شناسنامه ی کامل هر کدام از قوانین» (عمید زنجانی ۱۳۸۶: ۷۶۹) «تنقیح به معنای مرتب کردن موضوعی قوانین در مجموعه های خاص است»، (الموتیان ۱۳۸۹: ۱۳۹) بدین معنا که

«قوانین را باید جمع‌آوری کرد و تا آنجا که می‌شود، ارتباط موضوعی آنها را تشخیص داده و در قالب مجموعه‌های موضوعی ارائه داد» (تقدیسیان ۱۳۸۹: ۴۵)، یعنی همان «گردآوری متون قانونی مربوط به یک موضوع در یک مجموعه ی خاص». (سلطانی ۱۳۹۳: ۱۳۳) با نگاهی به تعاریف ارایه شده مشخص می‌گردد که منظور از «تنقیح» در بیان این حقوقدانان، گردآوری و طبقه‌بندی قوانین و مقررات موجود است به گونه‌ای که استفاده کنندگان از آن بتوانند به آسانی قوانین و مقررات مورد نظر خود را بیابند، چراکه در بسیاری از موارد، یافتن قوانین و مقررات برای اشخاصی که نه حقوقدان هستند و نه با نحوه ی جست و جوی قوانین آشنایی دارند، دشوار است. در مقابل، برخی «تنقیح» را مفهومی صرفاً ماهوی پنداشته و در تعریف آن آورده‌اند که «مراد از تنقیح قوانین، تشخیص قانون حاکم است، در جایی که چند قانون با هم تعارض دارند» (کاتوزیان ۱۳۸۱: ۶۷) و «تنقیح قوانین به معنای مصطلح کلمه عبارت است از: قوانین معتبر، حاکم و قابل اجرا را از غیر معتبر شناسایی کردن، که لازمه و نتیجه‌ی این کار کنار گذاردن قوانین غیرمعتبر با توجه به ضوابط مذکور در علم اصول، قواعد فقهی و حتی رعایت قواعد ادبی می‌باشد. (الموتیان ۱۳۸۹: ۱۷۵)

گروه دیگری از حقوقدانان به تلفیق این دو رویکرد و برداشت از مفهوم تنقیح قایل هستند. و بیان داشته‌اند: «تنقیح عبارت است از گردآوری و تدوین قوانین و مقررات مربوط به یک رشته با مبحث خاصی از حقوق، با نظم منطقی و فهرست‌های لازم و با تعیین مقررات مغایر و متعارض و ناسخ و منسوخ در یک مجموعه. بنابراین تنقیح همیشه با تدوین همراه است». (صفایی ۱۳۸۹: ۷۶) همچنین از تنقیح به معنای جمع‌آوری قوانین و مقررات به شکل موضوعی و تفکیک موارد ناسخ و منسوخ و نهایتاً ارائه‌ی یک نسخه‌ی موضوعی قوانین و مقررات معتبر و مجری یاد کرده‌اند. (شفیعی ۱۳۸۹: ۲۰)

چنین تفسیری از «تنقیح» را می‌توان صحیح‌ترین برداشت محسوب کرد. به عبارت دیگر، مجموعه‌ی اقدامات و فرایندها مشتمل بر «جمع‌آوری» «طبقه‌بندی» و «پالایش» قوانین، تنقیح نامیده می‌شود (اسلامی پناه بی تا: ۴۴). با این توضیح که ابتدا، کلیه‌ی قوانین اعم از معتبر و نامعتبر، از ابتدای دوره‌ی قانونگذاری گردآوری شده، سپس آن دسته از قوانینی که میان آنها پیوستگی منظم و منطقی برقرار است و مربوط

به یک موضوع خاص اند، در باب های جداگانه و به صورت نظام یافته دسته بندی می شوند؛ در نهایت روابط میان قوانین مربوط به هر موضوع اعم از ناسخ و منسوخ، عام و خاص و مطلق و مقید و... توسط کارشناسان امر تشخیص داده شده و به منظور نسخ، اصلاح یا تفسیر آنها به مراجع قانونگذاری اعلام می شود. بدین سان اولاً قوانین معتبر و لازم الاجرا شناخته خواهند شد؛ ثانیاً امکان دسترسی سریع و آسان به احکام قانونی توسط کسانی که به نحوی ناگزیر از مراجعه به قوانین هستند، تسهیل می گردد؛ و ثالثاً خلأها و نارسایی های نظام حقوقی تبیین و زمینه ی وضع یا اصلاح قوانین فراهم می شود. این امر در ماده ۳ قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹ نیز تصریح شده، بدین شرح که در این ماده از جمع آوری و تفکیک و طبقه بندی موضوعی قوانین تا تشخیص تعارضات و تهیه شناسنامه برای کلیه قوانین و مقررات را از راه های تنقیح قوانین و مقررات کشور دانسته که می بایست توسط معاونت قوانین مجلس صورت گیرد.

۳-۱. اقسام تنقیح قوانین

برای شناخت بیشتر مفهوم تنقیح همچنین به منظور سازماندهی روش تنقیح و فرایند اجرایی آن، تنقیح قوانین را به دو دسته ی کلی «تنقیح پیشینی یا حین وضع» و «تنقیح پسینی» قابل تقسیم بندی است.

۱-۳-۱. تنقیح پسینی

در واقع هر گاه از تنقیح صحبت می شود همین نوع، یعنی تنقیح پسینی، به ذهن متبادر می شود و تعاریفی هم که در این خصوص بیان شده ناظر به همین مفهوم است. برای آشنایی بیشتر و تفکیک میان این دو نوع از تنقیح، نوع دوم یا همان پسینی را باید از حیث اجرای فرایند تنقیح به چهار گروه تقسیم نمود :

- **تنقیح تقنینی:** این قسم از تنقیح صرفاً در صلاحیت مراجعی است که قانون و یا مقررات را وضع کرده اند چرا که جابه جایی و تغییر مواد و تبصره ها، نسخ و بی اثر کردن برخی مواد و یا وضع قوانین جدید صرفاً در صلاحیت مراجع تقنین است.
- **تنقیح اجرایی:** این قسم از تنقیح توسط قوه مجریه و مجریان قانون اعمال می شود. در نتیجه امکان تغییر و اصلاح در متن قانون و جابه جایی مواد و تبصره ها

وجود ندارد. به علاوه اجرای متن منقح نیاز به تصویب مجلس نخواهد داشت. (رفسنجانی مقدم و حسن پور ۱۳۹۳: ۱۴۶)

– **تنقیح به وسیله‌ی نهاد واحد:** در این روش، تنقیح قوانین تابع تصمیمات نهاد واحدی است که زیرمجموعه‌ی یکی از قوای سه گانه باشد؛ به این صورت که فرایند پیشنهاد، وضع، اصلاح و تفسیر قوانین را خود به تنهایی عهده دار می‌شود. (نجفی‌خواه ۱۳۸۹: ۱۰۰) برای نمونه در ایران به موجب ماده ۱ قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور «مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵، وظیفه‌ی تنقیح قوانین و مقررات کشور صرفاً بر عهده‌ی معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی نهاده شده است.

– **تنقیح از طریق مجموعه‌ای از قواعد:** در این روش، عامل انجام فرایند تنقیح نه یک نهاد واحد، بلکه ضوابط و قواعد شکلی و ماهوی است که به عنوان مبنای اقدام همه‌ی مراجع در روند وضع قانون تا اجرا تبعیت می‌شود، به طوری که هر یک از قوای مختلف و اجزای آنها به سهم خود، اجرای بخشی از این قواعد و ضوابط را عهده دارند. برای نمونه در «قانون اصول قانونگذاری کشور استرالیا، فرایند تنقیح براساس تعیین قواعد ماهوی و شکلی وضع، تفسیر، اجرا و لغو قانون صورت می‌گیرد. در این قانون یک نظام به هم پیوسته و مکمل حقوقی در اختیار هر یک از قوا قرار گرفته و آنچه اصالت دارد، بیشتر قواعد موضوعی و الگوهای تنقیح است تا صلاحیت و اقدامات نهادی واحد. (همان: ۱۰۱)

۱-۳-۲. تنقیح حین وضع (پیشینی)

تنقیح پسینی، محصول قانونگذاری پراکنده و غیر استاندارد و نامطلوب است. اما در نظام قانونگذاری شایسته کارکردهای تنقیحی قبل از وضع و تصویب قوانین خود را نمایان می‌کند. تنقیح در این مرحله قواعد شکلی و ماهوی ناظر بر تهیه طرح‌ها و لوایح می‌باشد. ماده ۴ قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۸۹/۴/۸ هدف از تنقیح حین وضع را چنین بیان داشته:

۱. وجود قوانین متعارض یا مرتبط با طرح و لایحه پیشنهادی.
۲. انطباق طرح و لایحه پیشنهادی از نظر شیوه نگارش تخصصی قوانین.
۳. لزوم یا عدم لزوم قانونگذاری در موضوع یاد شده.

۴. انطباق طرح و لایحه با آئین نامه داخلی مجلس؛ قانون برنامه؛ سند چشم انداز؛ سیاستهای کلی نظام و اسناد بالادستی. بنا براین تنقیح حین وضع، مجموعه اقداماتی است که قبل از تصویب قوانین برای جلوگیری از وضع قوانین غیر ضروری، غیر قابل اجرا، تکراری، متعارض، مبهم و... انجام می گیرد.

۲. مفهوم شناسی قانون گذاری شایسته

قانونگذاری شایسته باید تمامی شرایط و صفات یک قانون خوب را دارا باشد. به طور کلی می توان گفت در فرآیند تدوین و تصویب قوانین شایسته، اصول و شرایط ذیل باید رعایت گردد:

– رعایت اصول ماهوی قانون: یعنی ماهیت و محتوای قانون باید منطبق با اهداف اصلی آن که رفع معضلات و مشکلات و برقراری عدالت و اخلاق است باشد در واقع اصول معطوف به نظریه ی حاکمیت قانون، و به عبارت روشن تر، ویژگی های قانون هستند و بیش تر از خصیصه های هنجاری – ارزشی برخوردارند؛ ویژگی های مانند: (عدالانه، اخلاقی، نافع، مطابق با نیاز جامعه و ... بودن)

– رعایت اصول شکلی: در اینجا اصولی بحث می گردند که ناظر به کیفیت و ویژگی های شکلی قانون هستند. اصل شفافیت، انسجام، قابلیت دسترسی، قابل فهم و... در این دسته از اصول قرار می گیرند.

– رعایت اصول تشریفاتی: عنوان تشریفاتی ناظر بر زائد بودن نیست بلکه فرایندی است که ضامن رعایت و دستیابی به دیگر اصول و پذیرش آن توسط شهروندان است. این اصل به کارکرد نهادها و فرایندهای قانونگذاری باز می گردد که می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

اصول تشریفاتی قانون گذاری در قالب سه مرحله اصول مربوط به مرحله ی پیش از قانون گذاری، مرحله قانون گذاری، و مرحله ی پس از قانون گذاری تبیین می شود. در مرحله ی پیش از قانون گذاری، اصول مربوط به ارزیابی تاثیرات قانون و اصول مربوط به نگارش پیش نویس قانون مورد توجه قرار می گیرد. در مرحله ی قانون گذاری، جدی گرفتن نقش کمیسیون ها در فرآیند قانون گذاری، اصل تقسیم کار مناسب بین صحن و کمیسیون ها، اصل علنی بودن قانون گذاری، و اصول و قواعد

مذاکرات پارلمانی را شامل می‌شود. و سرانجام در مرحله‌ی پس از قانون‌گذاری نیز در قالب سه بحث ارزیابی تأثیرگذاری قانون، ارزیابی نتیجه بخشی قانون و ارزیابی کارآمدی قانون می‌پردازد. (احمد مرکز مالگیری و راسخ: ۱۳۹۱، ۵۶)

– **توجه به اهداف و آرمان‌های جامعه:** یعنی قانون باید برای رسیدن به اهداف و آرمان‌هایی که هر نظام و جامعه برای خود ترسیم نموده است قدم بردارد. قانون‌گذاری در هر جامعه، با توجه به اینکه حکومت، دارای چه ویژگی‌ها و خصوصياتی است و موجودیت و هویتش را از طریق چه مفاهیمی بدست آورده و اینکه تشکیل خود را برای تحقق چه آرمان‌ها اهدافی می‌داند قابل بررسی خواهد بود.

نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر جمهوریت و اسلامیت است بر اساس این دو مؤلفه، دارای سیاست تقنینی مختص خود است. جمهوریت و اسلامیت دارای آثاری برای قانون‌گذاری می‌باشد که می‌تواند آن را از سایر نظام‌های سیاسی متمایز نماید. پذیرش جمهوریت برای نظام سیاسی می‌تواند ملزم شدن نظام به تبعیت از اصول دموکراسی از جمله حاکمیت قانون و جامعه مدنی و احترام به اصول برابری و آزادی را در پی داشته باشد و اسلامی بودن سیاست تقنینی را معطوف به قسط و عدل و به کمال رساندن انسان می‌کند. در این خصوص می‌توان به نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی که در دیدار نمایندگان مجلس ۹۵/۳/۱۶ ایراد فرمودند بعنوان شاخصه‌های مطلوب یک قانون شایسته توجه کرد:

«قانون باید «با کیفیت»، «متقن»، «همه جانبه‌نگر»، «واضح»، «بدون تعارض با قوانین دیگر»، «ضد فساد»، «منطبق با سیاستهای بالادستی»، «برگرفته از دیدگاه‌های کارشناسی بدنه دولت و خارج از دولت» و «دربدارنده مصالح ملی به جای مصالح محلی» باشد.»

بنابراین هدف نظام قانون‌گذاری شایسته علاوه بر وضع قوانینی که جامعه و افراد را در مسیر اهداف و آرمان‌های جامعه قرار می‌دهد در بعد تقنینی کاهش تعداد قوانین و ارتقای کیفیت هنجارها به ویژه قوانین مصوب پارلمان است. باید آثار هنجارهای حقوقی را به منظور جلوگیری از آثار نامطلوب و ناخواسته آن در حد امکان، و نیز تصحیح آثار بعدی نامطلوب و ناخواسته آن، پیش و پس از تصویب، مورد مطالعه قرار دهد به علاوه، باید با نقد عوامل متعدد آنچه تورم قانون‌گذاری و افت

کیفیت قانون گذاری نامیده می شود، قانون گذاری را ارتقا بخشد. به عبارت دیگر هدف اصلی این دانش ارتقای سطح کیفیت قوانین می باشد که در نهایت منجر به دستیابی به ارتقای سطح حکمرانی خوب می شود.

۳. نقش ها و کارکردهای تنقیح در تحقق قانون گذاری شایسته

همان طور که بیان شد قانون گذاری شایسته دارای اصول و ویژگی هایی است که حاوی قواعد و موازینی هستند که توجه و التزام قانون گذار به آن ها تضمین کننده ی کیفیت قابل قبول فرآیند قانون گذاری و تبعاً، قانون به عنوان محصول فرآیند مذکور از یک سو و از سوی دیگر ضامن کمیت قابل قبول فعالیت تقنینی یعنی تعداد قابل قبول قوانین مصوب می باشد. برای دستیابی به این نظام، و تحقق اهداف آن، یکی از اقداماتی که حین وضع قوانین و حتی پس از وضع گسترده قوانین می تواند راهگشا باشد، نظام تنقیح قوانین و مقررات است. در این بخش از پژوهش به نقش و کارکردهایی از تنقیح قوانین و مقررات اشاره می گردد که می تواند بستری برای تحقق قانون گذاری شایسته باشد.

۳-۱. نقش ها و کارکردهای تقنینی تنقیح (حین وضع)

یکی از فرآیندهایی که نظام قانون گذاری را برای افزایش سطح کیفی قوانین مهیا می سازد، تنقیح قوانین و مقررات است. اگر تنقیح را به معنای گردآوری صرف قوانین در نظر بگیریم، می تواند نظام حقوقی را از پیچیدگی و آشفتگی رها، و برای مخاطبان واقعی آن یعنی مردم، این امکان را فراهم کند تا به راحتی به قوانین جاری و لازم الاجرای کشور دسترسی داشته باشند. اما در صورتیکه به این مجموعه های جمع آوری شده ی قوانین، تنقیح یا اصلاح قوانین را نیز اضافه کنیم، یعنی تبویب (باب و فصل بندی) و اصلاح صورت شکلی و ظاهری قوانین همزمان با گردآوری آنها، در کنار هم قراردادن قوانین مرتبط، تعیین موارد نسخ ضمنی و ... علاوه بر آنکه دسترسی شهروندان و مخاطبان قانون را به متون قانونی آسان می کند، به واضعان و تدوین کنندگان قوانین هم کمک می نماید تا از تدوین و تصویب قوانین مکرر، متعارض، پراکنده، غیر ضروری، ناکارآمد و ... پرهیز نمایند. هرچند، این، تنها دستاورد تنقیح قوانین نیست. چنانچه تنقیح قوانین را چیزی بالاتر از

گردآوری قوانین بدانیم و در تنقیح و اصلاح آنها اهتمام کنیم، این فن، به ساده سازی قوانین، منطقی کردن آنها، بهبود سطح قابل فهم بودن آن برای شهروندان و جلوگیری از تورم قوانین، کمک می‌کند.

با مطالعه تعاریف و حدود ارائه شده از مفهوم تنقیح می‌توان دریافت که تنقیح قوانین برای همه نظام‌های حقوقی امری ضروری و حیاتی به شمار می‌آید، چرا که قانون‌گذار مطابق با نیازها و حوادث روزآمد، اقدام به قانون گذاری در خصوص موضوعات مشخص می‌نماید و بر همین اساس امکان تغییر احکام موضوعات، متناسب با شرایط جدید همواره وجود دارد. این در حالی است که در صورت عدم وجود نظام صحیح و جامع تنقیح قوانین، تناقض و تعارض میان قوانین مختلف موجب بروز اختلال در اداره کشور می‌شود.

مبتنی بر آنچه بیان شد، نبود نظام کارآمد تنقیح قوانین در فرایند قانون گذاری از جمله آسیب‌هایی است که خود موجب بروز آسیب‌های متعدد دیگری از قبیل پراکندگی قوانین و وجود احکام یک موضوع در قوانین متعدد، مشخص نشدن وضعیت قوانین سابق در قوانین جدید و وجود احکام تکراری در قوانین که موجب سردرگمی مجری می‌شود گردیده است. که در فرایند تنقیح حین وضع در نظر گرفته می‌شوند.

۳-۱-۱. نیاز سنجی تقنینی و آثار تنقیحی آن

تقنین شایسته براساس نیازهای واقعی جامعه، راهکاری مؤثر در ارتقای کیفیت قانون گذاری و جلوگیری از صرف هزینه های گزاف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تدوین و وضع قانونگذاری بی کیفیت است. نیازسنجی تقنینی از یک سو، به وضع قوانین کارآمد و مفید مساعدت می‌کند و از دیگر سوی، مانع از متروک ماندن قوانین به واسطه مطابق نبودن با نیازهای واقعی جامعه و برآورده نساختن آنها می‌شود. در تبیین مفهوم نیازسنجی تقنینی می‌توان گفت؛ بررسی و سنجش نیازهای واقعی شهروندان و جامعه بعنوان ذینفعان اصلی در زمینه قانون گذاری به منظور تقنین شایسته است.

اصل ضرورت تصویب قانون جدید همیشه به عنوان یکی از اصول قانون گذاری مورد توجه قرار گرفته است. در واقع اقدام قانون گذاران در بسیاری از موارد ناشی

از عدم توجه و جست و جوی موشکافانه در نظام حقوقی موجود و نادیده گرفتن مفاد قانونی است که چه بسا مهیا کردن زمینه‌های اجرای آن‌ها، قانون‌گذار را از افزودن بر حجم قوانین باز دارد.

به بیان روشن‌تر، آن‌ها باید این پرسش را به طور نظام‌مند طرح کنند و به آن پاسخ دهند که آیا تصویب قانون امری کاملاً ضروری است؟ اهمیت ارزیابی این ضرورت از آن روست که به نظر می‌رسد هر چقدر قانون‌گذار به تصویب قوانین بیشتری اقدام کند، در عمل از منزلت قوانین و مقررات در نظر شهروندان کاسته می‌شود.

از جمله مفاهیمی که در ادبیات مطالعات قانون‌گذاری در ارتباط با ضرورت تصویب قانون صورت‌بندی شده است، مفهوم «تحلیل نیاز قانون‌گذاری» است: صندوق توسعه‌ی ملل متحد بدین شرح تحلیل نیاز قانون‌گذاری را تعریف کرده است: «گزارش جامعی است از نیازهای قوه‌ی قانون‌گذاری که بر اساس آن، برنامه‌های پیشنهادی جایگزین برای کمک به عملکرد بهتر قوه‌ی قانون‌گذاری در انجام وظایف نمایندگی، وضع قانون و نظارت طراحی می‌شود» (جلالی ۱۳۸۷: ۳۷).

بنابراین آثار تنقیحی نیازسنجی تقنینی را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

- براساس نیازهای واقعی تقنین صورت می‌گیرد؛
- قوانین متروک نمی‌شوند، زیرا نتیجه طبیعی وضع قوانینی که مخالف با نیازهای شهروندان بوده یا حداقل مطابق با نیازهای ایشان نیست، متروک ماندن آنهاست؛
- تورم تقنینی یا قانون‌گذاری افراطی کاهش می‌یابد؛
- نیاز به اصلاح مکرر قوانین و همچنین نسخ آنها نخواهد بود؛ (جلالی، ۱۳۸۷: ۳)

۳-۱-۲. نقش تنقیح در شیوه نگارش تخصصی قوانین

چنان که صاحب نظران همواره هشدار داده‌اند، نگارش پیش‌نویس قانون وظیفه‌ای فوق‌العاده دشوار، دقیق و نیازمند مهارت است. آن چه همواره در ذهن روشن و دقیق به نظر می‌آید، چه بسا زمانی که بخواهد در قالب یک گزاره‌ی قانونی بیان شود، ممکن است به سادگی قابل فهم نباشد و همین امر سبب شده است که نگارش پیش‌نویس قانون، و در واقع تدوین متن قانون، رشته‌ای کاملاً فنی محسوب شود. (راسخ و مالمیر ۱۳۹۱: ۷۰)

الف) اصول مربوط به ساختار متن:

تقسیم‌بندی ساختار قانون به نحو درست و منطقی؛ تقسیم‌بندی ساختار قانون به واحدهایی در قالب بخش، فصل یا بند باید با توجه دقیق به محتوا و حجم قانون صورت گیرد.

اختصاص عناوین مناسب به هر قسمت از قانون؛ محل مناسب استفاده از عنوان و هم‌چنین محتوای عناوینی که احیاناً برای هر قسمت از پیش‌نویس متن قانون در نظر گرفته می‌شود، در ساختار متن واجد اهمیت است. چه بسا محتوای قانون به نحوی باشد که درج عناوین متعدد، سبب پیچیده شدن متن شود. ترتیب منطقی مواد قانون؛ دقت در چیدمان منطقی مفاد یک قانون از جمله مهم‌ترین اصول مربوط به ساختار متن در تهیه‌ی پیش‌نویس محسوب می‌شود. ساختار منطقی یک ماده‌ی قانونی؛ هم‌چنان که ضروری است ساختار کل قانون نظام‌مند باشد، ساختار هر یک از مواد قانونی نیز باید نظام‌مند باشد. «ماده» اصلی‌ترین جزء یک قانون است و در تنظیم قانون باید به عنوان یک واحد در نظر گرفته شود.

ب) اصول مربوط به زبان متن:

قوانین و مقررات مبهم، مجمل و با عباراتی ثقیل و دشوار، که فهم و آگاهی عامه مردم بعنوان مخاطبان اصلی خود را با مشکل مواجه می‌نماید کم نیستند. برای تحقق اصل وضوح و شفافیت قوانین نیازمند ساده‌سازی متون در مرحله تهیه پیش‌نویس و رعایت اصول و قواعد دستوری و هم‌چنین نگارشی است که باید در تهیه‌ی پیش‌نویس متن مدنظر قرار گیرند. در واقع می‌توان گفت با رعایت این اصول، متن قانون برآمده از پیش‌نویس، می‌تواند به طور موثر به ایفای کارکرد خود بپردازد.

چنان‌که گفته‌اند؛ «انشا و مضامین قانون باید صریح باشد»؛ «انشای قانون باید ساده باشد و شخص برای دریافتن معنی آن محتاج تفکر نگردد»؛ «مضامین قانون باید طوری نوشته شود که همه از آن یک مطلب را بفهمند نه این که هر کسی از آن یک مطلب علی‌حده استنباط نماید»؛ «هر گاه در قانون حدود و حقوق اشخاص به طور مشخص معلوم گردید نباید عبارات و مضامینی به کار برده شود که جنبه‌ی ابهام داشته و در نتیجه حدود و حقوق اشخاص را غیرمعلوم کند»؛ و «در قانون باید حتی المقدور موارد استثنایی کم باشد و بهتر است که اصلاً موارد استثنایی وجود نداشته

باشد». (منتسکیو ترجمه مهتدی ۱۳۶۲: ۸۷۲)

– **فاقد ابهام بودن:** یعنی واژگان به کار رفته در آن دارای معانی مختلف باشد. ابهام، فهم دقیق منظور قانون گذار را با دشواری مواجه می کند ابهام هم چنین در مواردی است که یک ضمیر در جمله ای به بیش از یک اسم باز می گردد یا یک صفت که بعد از موصوف های متعددی آید، وجود دارد.

– **فاقد ابهام بودن:** قانونی مبهم شمرده می شود که مردم از محدوده ی شمول آن اطمینان نداشته باشند. تفاوت ابهام داشتن و ابهام داشتن آن است که زمانی متن دارای ابهام است که بتوان دو یا چند مفهوم از یک واژه یا عبارت برداشت کرد؛ اما در موارد ابهام، گرچه تنها یک مفهوم وجود دارد، اما مرزهای آن مفهوم روشن نیست. (همان: ۱۰) این امر اغلب از عدم ذکر جزئیات ضروری در متن و اکتفا به کلیات ناشی می شود.

خوانا و ساده بودن: در متن قانون باید از کاربرد واژه ها و اصطلاحات دشوار، مهجور و غیرمستعمل خودداری شود. به کار گرفتن کلمات و عبارات ساده، به کار بردن جملات کوتاه و مستقیم، انباشته نکردن اطلاعات فراوان در یک جمله و ... البته چه بسا بین ساده بودن متن و دقیق بودن متن تعارض پدید آید. استفاده از زبان ساده باید به نحوی باشد که به دقت متن صدمه وارد نکند.

اختصار؛ در تهیه ی پیش نویس قانون همواره باید به اختصار در متن توجه داشت. به این منظور باید از تکرار یک موضوع به بیان ها و در قالب جملات مختلف، به کار گرفتن کلمات مترادف، و جملات طولانی با کلمات و عبارات حشو خودداری کرد؛ به عنوان نمونه، تعریف باید صرفاً در صورتی در قانون قید شود که قانون گذاری اصطلاحی را پدید آورده باشد و در این صورت ضرورتاً باید آن را تبیین کند. (بیگزاده ۱۳۷۸: ۱۵۷)

۳-۱-۳. کمک به انسجام و یکپارچگی قوانین

قانون گذاری پدیده ای پویا است، در فرایند قانون گذاری برخی مصوبات تغییر می یابند و برخی دیگر به موجب قانون جدید نسخ و جایگزین می شوند. این تغییرات که در برخی موارد ممکن است با تعدد فراوان صورت گیرد و دسترسی به قانونی را که

لازم‌الاجراست برای مردم، دشواری سازد و حتی با اصلاح و یا نسخ یک قانون، در قانونی دیگر، کار سخت‌تر و پیچیده‌تر شده و پدیده‌ای به نام قانون‌گذاری پراکنده را بوجود می‌آورد.

«قانون‌گذاری پراکنده»، به معنای قانون‌گذاری موردی و متعدد، به ویژه اصلاحیه‌های مکرر به قوانین و الحاق مفاد جدید به قوانین پیشین، بدون دغدغه حفظ کلیت و سازگاری نظام حقوقی و دسترسی آسان مردم به قواعد حقوقی لازم‌الاجرا است. این رویه به پدیده تورم قوانین، (یا تورم قانون‌گذاری) دامن می‌زند و یکی از آسیب‌های شایع نظام تقنینی شمرده می‌شود. در واقع قانون‌گذاری پراکنده، یکی از عوامل اصلی تورم قوانین و همچنین یکی از علائم اصلی نظام‌هایی است که با آسیب تورم قوانین مواجه‌اند و باید برای مقابله با آسیب مذکور چاره‌اندیشی کنند (مالمیر و مهدی‌زاده ۱۳۹۴: ۱۵۸).

بی‌شک پراکندگی قواعد و موضوعات حقوقی در میان قوانین متعدد شناخت و دسترسی به آنها را برای مردم و حتی مجریان دشوار خواهد نمود امری که در نظام قانون‌گذاری شایسته‌مخدوش و مضموم بوده و منجر به مخدوش شدن امنیت حقوقی می‌گردد. یکی از مصادیق قانون‌گذاری پراکنده وجود احکام یک موضوع در قوانین متعدد است. در این خصوص باید بیان کرد هنگامی که در قانونی موضوعات مرتبط با یک قانون مادر مطرح می‌شود، نظام تنقیح قوانین، اجازه تصویب آن را خارج از جایگاه اصلی خود نمی‌دهد و ثانیاً به فرض تصویب، احکام قانون جدید را ذیل قانون مادر قرار می‌دهد. و در صورتی که موجب نسخ ماده یا حکمی شده باشد، حکم جدید را جایگزین حکم سابق می‌کند. مثلاً به علت عدم وجود نظام صحیح تنقیح قوانین در جمهوری اسلامی ایران، قوانین با موضوع واحد، ذیل یک قانون مادر قرار ندارند و همچنین احکام یک موضوع در قوانین متعدد پراکنده‌اند که این احکام با یکدیگر متفاوت و بعضاً متعارض بوده و موجب ابهام و سردرگمی مخاطبان حکم می‌شود. برای نمونه قانون کار در سال ۱۳۶۹ با هدف تجمیع همه قوانین و مقررات مربوط به موضوع روابط کارگر و کارفرما تصویب شد در صورت وجود نظام صحیح تنقیح قوانین باید همه اصلاحات بعدی قانون کار ذیل همان قانون بیان می‌شد در حالی که برخی اصلاحات مربوط به قانون کار در ماده (۴۱) قانون رفع برخی موانع تولید بیان شده است.

۳-۱-۴. تعیین تکلیف قوانین سابق

یکی از آسیب‌هایی که نظام‌های تقنینی به علت عدم توجه به فرایند تنقیح حین وضع، با آن مواجه هستند عدم تعیین تکلیف وضعیت قوانین سابق، هنگام وضع قانون جدید است. در این خصوص باید بیان کرد که پس از تصویب قانون جدید با نیازهای روز، باید وضعیت قوانین سابق در خصوص موضوعات مندرج در قانون جدید به روشنی توسط قانونگذار بیان و تصریح شود که قوانین سابق چه وضعیتی خواهند داشت و کدام یک نسخ شده است. حتی به مواردی که نسخ ضمنی شده توجه شود. چرا که در غیر این صورت دو قانون با موضوع واحد وجود دارد که این امر موجب سردرگمی و ابهام در خصوص قانون لازم‌الاجرای فعلی می‌گردد. این در حالی است که قانون‌گذار در فرایند فعلی تنقیح، وضعیت قوانین سابق را روشن نمی‌کند.

بنابراین، از جمله کارکردهای یک نظام تنقیح کارآمد، تعیین تکلیف قوانین سابق است، و باید مشخصاً تصریح کند که کدام قوانین نسخ شده‌اند و کدام یک به قوت خود باقی هستند و در عین حال موادی که نسخ نشده‌اند را در قالب یک قانون جامع ساماندهی کند و متناسب با سایر قوانین موجود، خصوصاً قوانین جدیدالتصویب باز بررسی نماید.

۳-۱-۵. جلوگیری از وضع قوانین تکراری

ناآگاهی قانون‌گذار از قوانین گذشته می‌تواند حجم قوانین را بیشتر کند. چرا که مرجع قانون‌گذار خود مطلع نبوده که درباره یک موضوع قبلاً قانون دیگری وضع شده است و بدین نحو ده‌ها معمای قانونی ایجاد می‌گردد. همچنین گاهی اوقات، قوانین تکراری نیست اما احکام مقرر در قوانین تکراری است. به این معنا که قانون‌گذاری در یکی از قوانین موضوعه، حکمی را به تصویب رسانده و همین حکم، با اندک تغییری در قانون موضوعه دیگری به تصویب رسیده است. برای نمونه ماده (۵) قانون محاسبات عمومی، مؤسسات عمومی غیردولتی را واحدهای سازمانی مشخصی می‌داند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده و یا می‌شود و در تبصره آن مقرر شده فهرست این نهادها باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، در حالی که ماده (۳) قانون مدیریت خدمات کشوری در تعریف این

دسته از مؤسسات بیان می‌دارد: «واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد». حال مشخص نیست وضعیت و ارتباط این دو ماده با یکدیگر چگونه است و کدام یک، ملاک عمل در تشخیص این گونه مؤسسات هستند. چنین مواردی ریشه در عدم نظام تنقیح قوانین کارآمد دارد. (مرکز پژوهش‌های مجلس: ۱۳۹۷، ۱۳)

۳-۱-۶. مقابله با تورم تقنینی (قانونگذاری حداکثری)

نادیده گرفتن اصول قانون‌گذاری، موجب کاهش کیفیت قوانین و به موازات آن افزایش کمیت آنها به ویژه در قالب اصلاحیه‌های پیاپی به قوانین مصوب پیشین می‌انجامد. ادامه این روند پدیده «تورم تقنینی» را بوجود می‌آورد. تورم تقنینی، حالتی است که در آن اولاً تولید قوانین بیشتر با ابعاد گسترده‌تر برای تمشیت اوضاع و احوال جدید است که فعالیت قوه ی قانون‌گذاری را از حالت تعادل مورد انتظار خارج می‌شود، و ثانیاً نظام حقوقی متکثر از قوانینی خواهد شد که با یکدیگر سازگاری نداشته و در مواردی نیز با هم متعارض باشند.

لاگالین تاکید می‌کند که گسترش سرسام‌آور فعالیت‌های تقنینی یکی از تبعات شکل‌گیری دولت‌داری است دولت‌داری موجب شکل‌گیری مجموعه عظیمی از قوانین اداری شده است چراکه این قانون است که ساختار تکالیف و وظایف نهادهای حکومتی را تعیین می‌کند (لاگالین ترجمه راسخ ۱۳۸۸: ۸۵)

این وضعیت علاوه بر آن که نظام حقوقی را دستخوش اغتشاش می‌کند، مجریان و شهروندان را نیز در اجرا و تبعیت از قانون با دشواری مواجه خواهد کرد. قطعاً علل و دلایل دیگری نیز برای این پدیده قابل ذکر است، اما به نظر می‌رسد نقض اصول قانون‌گذاری در بروز و تشدید پدیده ی تورم تقنینی سهم به سزایی دارد. بدین ترتیب انگیزه ی اصلی از تلاش برای تبیین اصول قانون‌گذاری، پیش‌گیری از بروز چنین آسیب‌هایی است (مالمیر و راسخ ۱۳۹۱: ۵۴) همچنین یکی از اسباب قانون شکنی و قانون‌گریزی است. چرا که نظام متورم قانونی، متشکل از قوانین آشفته

و مبهم باعث خواهد شد، شهروندان و مقامات مجری قانون، به طرق مختلف برای گریز از محدودیت‌های قانونی، به رویه‌های فساد برانگیز متوسل شوند علل و دلایل مختلفی برای بروز پدیده تورم قوانین یا قانونگذاری حداکثری قابل توضیح است به همین ترتیب این رویکرد پیامدهای متعددی برای نظام حقوقی به دنبال دارد در نظام قانونگذاری ایران این پدیده به ویژه در خصوص قوانین حوزه اقتصادی به شدت مشهود است (وکیلان و مالگیری ۱۳۹۵: ۴۳)

۲-۳. نقش‌ها و کارکردهای پسینی تنقیح (پس از وضع)

اگر از مهمترین اصول و ویژگی‌های نظام قانونگذاری شایسته را، تحقق امنیت حقوقی شهروندان، حاکمیت قانون در جامعه، شفافیت، یکپارچگی و انسجام قوانین و... بدانیم، یکی از فرآیندهایی که دستیابی به این اهداف را میسر می‌کند، تنقیح قوانین و مقررات است. دسته‌بندی صحیح قوانین، تعیین قوانین لازم‌الاجرا و مجری در هر دسته، کنار زدن قوانین منسوخ و متروک، تشخیص قوانین معتبر از میان انبوهی از قوانین، رفع تعارضات میان قوانین، اجمال، سکوت، ابهام قوانین و... از ضروری‌ترین مباحث در شکل‌گیری نظام تنقیح قوانین و مقررات هستند. چنین امری هم موجب آشنایی شهروندان با حقوق و تکالیف خود می‌شود و هم بستر اجرای قانون را برای مجریان آن و به‌ویژه قضات فراهم می‌کند، زیرا تراکم قوانین در جوامع و تعارض‌ها و ابهامات موجود در آن‌ها، موجب برداشت‌های متفاوت و گاه متهافت در موضوع یکسان می‌شود و این امر نه تنها امنیت قضایی را در فرایند دادرسی و رسیدگی، بلکه اصل امنیت حقوقی را در معرض خطر قرار می‌دهد و مانعی بزرگ در تحقق آن است.

در این بخش به بیان نقش‌ها و کارکردهایی می‌پردازیم که بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم از فرآیند تنقیح حاصل شده و بدون دستیابی به آنها اهداف نظام قانون گذاری شایسته قابل تحقق نخواهد بود:

۱-۲-۳. نقش تنقیح در تحقق امنیت حقوقی

امنیت حقوقی شهروندان یکی از اهدافی است که نظام قانون گذاری شایسته در پی آن است. اساس و هدف اصلی از این اصل، پاسداری از حقوق شهروندان است. هسته

اصلی آن، دسترسی به قوانین است. به این معنا که شهروندان باید نسبت به قوانینی که آنها را مخاطب قرار می‌دهند آگاهی داشته باشند تا حقوق‌شان حفظ شود. ثبات نظام حقوقی و تضمین حمایت دایمی از حق‌ها و آزادی‌های شهروندان، قطعیت قواعد موجود در آن نظام و ایجاد اعتماد به نظام حقوقی، از مهم‌ترین این ویژگی‌ها به شمار می‌روند (ویژه ۱۳۹۰: ۲۹۹). اصل امنیت حقوقی به تبیین وضعیت حقوقی شهروندان می‌پردازد، به این معنا که هر شهروند به صرف تعلق به جامعه باید از وضعیت حقوقی معین و مشخصی برخوردار باشد، و خود نیز از این وضعیت حقوقی آگاه باشد. تنقیح قوانین و مقررات، فرایندی برای درک و فهم درست و صحیح از قوانین و مقررات است و امنیت حقوقی، مقوله‌ای بسیط و متکثر مشتمل بر حق‌ها و تضمین‌های متعدد است که می‌توان آن را هدف حقوق و قانون‌گذاری برشمرد. در این صورت تنقیح ابزاری برای زمینه‌سازی و تحقق اصل امنیت حقوقی محسوب می‌شود. و تلاش می‌کند ضمن جلوگیری و ایجاد مانع برای شکل‌گیری و استمرار قوانین و مقررات مبهم، مجمل، پراکنده، متکثر و... بسستر، تحقق اصولی چون شفافیت، دسترسی، انسجام و... که از پایه‌ها و ارکان تشکیل‌دهنده امنیت حقوقی هستند را فراهم آورد.

۳-۲-۲. کارکرد تنقیح در قابل دسترسی نمودن قوانین

یکی از ویژگی‌های نظام مبتنی بر قانون‌گذاری شایسته این است که قواعد و احکامی که بر شهروندان حاکم است علاوه بر اینکه باید برای عامه شهروندان قابل فهم و روشن باشد می‌بایست منتشر شود، تا هر فردی قابلیت دسترسی به آنها را داشته باشد. دسترسی یعنی؛ ایجاد مجموعه‌های محدود و مشخص از قوانین، که امکان دسترسی شهروندان به آنها و شناخت بهتر حقوق و تکالیف‌شان را بیش از پیش مهیا می‌سازد (بریان، ترجمه گرجی ۱۳۸۷: ۲۰۹). برخی این دسترسی را دسترسی فیزیکی معنا می‌کنند. بر این اساس انتشار صحیح و به موقع قوانین و صرف آگاهی از وجود قانون، آن را (دسترسی) محقق می‌سازد. و در مقابل کسانی مفهوم دسترسی را به معنی اخص آن، یعنی درک خود قانون و اینکه قانون چه می‌گوید تعبیر می‌کنند. در این فرض صرف آگاهی نسبت به وجود قانون کافی نیست و شهروندان باید قانون را بفهمند که در این صورت لازمه آن روشن بودن و قابل فهم بودن قانون است (عبداله زاده ۱۳۹۸: ۳۰۴).

هدف تنقیح قوانین و مقررات، ایجاد مجموعه‌هایی مدون از قوانین است تا مردم به راحتی بتوانند به آن‌ها دسترسی داشته باشند، به نحوی که مفهوم «فهمیدن» یا «درک کردن» را نیز در برگیرد. منطق این معنای از دسترسی این است که اگر اطلاعات، خودشان قابل فهم باشند، توانایی دسترسی به قوانین و مقررات و اطلاعات مربوط به آن‌ها کمرنگ خواهد شد. معنای دیگر اینکه، اگر اصلی‌ترین هدف حق دسترسی به اطلاعات، برای مثال این است که به افراد اجازه داده شود اطلاعات لازم برای دفاع و حمایت از حقوق قانونی‌شان را به دست آورند. زمانی که یک فرد نتواند این اطلاعات را بفهمد یا از آن‌ها استفاده کند، حق دسترسی بی‌معنا خواهد شد. بنابراین بین دسترسی و درک و فهم این موضوع ارتباطی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در واقع دسترسی بدون درک و فهم محقق نشده است.

می‌توان با تدوین و تنقیح قوانین، مجموعه‌ای واحد در خصوص هر موضوع را جایگزین تعداد نامحدود قوانین کرد. گرایش به ساده و آسان‌یاب کردن حقوق نشانه تحول آن است. از نظر ماکس وبر، پیشرفت حقوق با عقلانی کردن روزافزون آن محقق می‌شود که رشد سازمان و نهادهای حقوقی را به دنبال دارد. تدوین و تنقیح قوانین اوج این تحول است (سلطانی ۱۳۹۳: ۱۴۳).

۳-۲-۳. شفاف نمودن قوانین با تنقیح آنها

از مهم‌ترین ابعاد شفافیت، ساده و روشن بودن قوانین است؛ امری که به تسهیل فهم و درک عموم از قوانین منجر خواهد شد. نمی‌توان به دلیل نقض قانونی که برای مردم قابل فهم نیست، کسی را مؤاخذه کرد. مردم نیز نمی‌توانند حقوق خود را مطالبه کنند. در واقع اگر قانون برای مردم کوچه و بازار نوشته شده است، و همین مردم هستند که در دادگاه‌ها محاکمه می‌شوند یا برای مطالبه حقوق خود به آن رجوع می‌کنند، پس لازم است برای آنان قابل فهم باشد (یزدانی زنور، ۱۳۸۸: ۵۶).

تنقیح قوانین از آن‌جا که بر پایه تدوین و تنظیم فهرست‌های منطقی و طبقه‌بندی‌های سازمان‌یافته انجام می‌گیرد، شفافیت و خوانایی حقوق را افزایش خواهد داد. منظور از شفافیت این است که نظام حقوقی به جای داشتن حقوقی انباشته از قوانین متعدد به سمت داشتن حقوق گردآوری شده در یک یا چند مجموعه سوق داده شود؛

چرا که در این حالت اشخاص برای یافتن یک موضوع دیگر ناچار به جست و جوی کتاب‌های متعدد نخواهند بود. (بریان، ترجمه گرجی: ۱۳۸۷: ۲۰۷) برخی از حقوقدانان اصل شفافیت را تضمینی برای کیفیت قوانین از نظر قابلیت فهم و انسجام آنها برای همه مردم می‌دانند (ویژه ۱۳۹۰: ۱۱۱). برخی دیگر از حقوقدانان شفافیت را در قالب دو عنصر «واضح بودن» و «مفید قطعیت بودن قانون» قلمداد کرده‌اند و معتقدند که قانون باید به حدی روشن و واضح باشد که تابعان و مجریان منظور از آن را به خوبی دریابند و در جهت هدف مورد نظر به کار گیرند قانون متناقض مبهم ابهام‌دار یا مغلق موجب سردرگمی یا گمراهی شخصی است که می‌خواهد و باید از قانون پیروی کند بدیهی است چنین قانونی دست مقامات اجرایی و قضایی را برای هر نوع رفتار سلیقه‌ای با شهروندان باز خواهد گذاشت و به بروز تفسیرهای متنوع و متناقض از قانون منجر خواهد شد (راسخ ۱۳۸۵: ۲۲).

واضح است که در قانون‌گذاری شایسته این اصل از جایگاه بالایی برخوردار است و این اصل اعم از شفافیت در مراحل تدوین و تصویب متن و ماهیت قوانین است. فرآیند تنقیح قوانین از آنجا که اصولاً بر پایه‌ی تدوین و تنظیم فهرست‌های منطقی و طبقه‌بندی‌های سازمان یافته انجام می‌گیرد، شفافیت و خوانایی قوانین را افزایش خواهد داد.

۳-۲-۴. برقراری تناسب و انسجام بین قوانین با تنقیح

اصل دیگری که از اصول قانون‌گذاری شایسته محسوب شده و در تحقق آن، رعایت و توجه به آن ضروری است، و خود نیز ماهیت شکلی و ابزاری دارد اصل «انسجام قوانین» می‌باشد. از آنجا که هر ماده قانون، جزئی از یک نظام حقوقی شمرده می‌شود و قانون مهمترین منبع ایجاد حقوق است، باید به آثار و نتایجی توجه داشت که هریک از مواد قانونی در قواعد دیگر و به طور کلی در نظام حقوقی دارد. به بیان دیگر هر قانون باید با نظام حقوقی و سایر قوانین موجود، دارای انسجام باشد.

تنقیح قوانین این امکان را فراهم می‌سازد تا یکی از دشوارترین وظایف قانون‌گذار که مشخص کردن وضع هر قانون را در میان قواعد گذشته است، میسر شود. قانون‌گذار باید به‌صراحت بیان کند با تصویب این قانون چه مقدار از قوانین گذشته نسخ می‌شود و اینکه با قواعد و موازین دیگر در تعارض و تضاد نباشد.

امروزه به دلیل تعدد و کثرت قوانین در موضوعات واحد، پیراستن قوانین و مقررات از مواد زائد و منسوخه و دسترسی به قوانین و مقررات عاری از تعارض و تغایر با سایر قوانین و مقررات، به عنوان عامل اصلی در کاربرد صحیح قانون از سوی قضات و مجریان قانون تبدیل شده است (شاملو و قره باغی، ۱۳۸۶: ۳۷). تنقیح قوانین به ایجاد مجموعه‌هایی منظم و منسجم از قوانین کمک می‌کند. مجموعه‌هایی که در آن‌ها ارتباط میان اجزای یک قانون و رابطه میان آن‌ها به شکل منطقی بیان شده، نه تنها هر جزء، جزئی دیگر را نفی یا نقض نمی‌کند، بلکه به عنوان مجموعه‌ای واحد، که با هم سازگاری و هماهنگی دارند، نقش مهمی را در ثبات قوانین و درک و فهم شهروندان از قوانین به وجود می‌آورند.

۳-۲-۵. زمینه سازی تنقیح برای تحقق حاکمیت قانون

اصلی ترین و مهمترین اثری که بر قانون گذاری شایسته مترتب است ظهور و پیدایش حاکمیت قانون در جامعه است. قانون گذاری شایسته، و اصول آن در پرتو نظریه ی «حاکمیت قانون» تبیین می گردد. این اصول به طور کلی متناظر با کیفیت قانونی است که باید در خدمت شهروندان و تأمین امنیت و تضمین حقوق آنها باشد. به بیان دیگر تضمین اصل امنیت حقوقی که در فرآیند تنقیح قوانین و مقررات محقق می شود با حاکمیت قانون در جوامع شکل می گیرد.

معنای حداقلی و مشترک در تمامی نظرات مطرح در اندیشه حاکمیت قانون، ضرورت رفتار نمودن حاکمان و شهروندان بر طبق قانون می باشد. مطابق این اصل استفاده خود سرانه و مستبدانه از قدرت در تصمیم گیری های حکومتی مردود است و حاکمان و سیاستمداران به عنوان حافظان و خادمان قانون شناخته می شوند و خود نیز مشمول آن می گردند؛ البته این دیدگاه، کل مفهوم حاکمیت قانون را در بر نمی گیرد بلکه نقطه شروع فهم آن است. (آلتمن ترجمه جندقی ۱۳۸۶: ۵۵) در حکومت مبتنی بر حاکمیت قانون هیچ کس برتر از قانون نیست حتی عالی ترین مقامات نمی توانند به میل خود رفتار کنند و فقط به آنچه قانون برای ایشان تصویب می کند یا مجاز می شمرد عمل می کنند. بنابراین حاکمیت قانون مجرای نهادینه شده اعمال اقتدارات دولت ها و در عین حال محدود کننده اعمال قدرت هر دولت است و امور شهروندان را

را سامان می‌بخشد. بنابر مراتب فوق، مفهوم یا توصیف حداقلی اصطلاح حاکمیت قانون در لسان حقوق دانان و صاحب نظران، عبارت خواهد بود از اینکه کلیه قوا و سازمان‌های عمومی تحت نظارت قانون باشند و همه مقامات عمومی مکلف به رعایت قوانین و مقررات در تصمیمات و اعمال خود گردند. (طباطبایی مومنی ۱۳۷۵: ۲۲۸)

به نظر می‌رسد «اصل حاکمیت قانون» الزاماتی دارد که صفت‌ها و ویژگی‌های «قانون خوب» از آن دست از الزام‌ها به شمار می‌رود؛ یعنی قانون تا «روشن»، «بدون ابهام»، «در دسترس»، «قابل فهم» و ... برای شهروندان نباشد، نمی‌تواند تضمین‌کننده کارکرد «اصل حاکمیت قانون» باشد. بنابراین، مبنای نظری مطالعات کیفیت قانون، «اصل حاکمیت قانون و بررسی و تعیین ویژگی‌های خوب یک قانون به عنوان الزامی از الزامات اصل حاکمیت قانون است (عبداللهی، زاده ۱۳۹۵: ۱۷۶).

بنابراین، روند سریع قانون‌گذاری و عدم امکان اطلاع‌رسانی به موقع مردم و مجریان قانون و مشکلات متعاقب آن، مخاطبان قوانین (عامه مردم و دستگاه‌های اجرایی) با انبوهی از قواعد حقوقی رو به رو می‌کند که اشراق بر تمامی آنها و نیز شناسایی و تفکیک قواعد معتبر از نامعتبر برای آنها اگر به عنوان امری محال شناخته نشود بی‌شک اقدامی بسیار دشوار و فنی می‌باشد. بدون تردید تداوم چنین وضعی فلسفه وضع «قانون» و اصل حیاتی «حاکمیت قانون» و نیز «کارآمدی نظام» را به چالش جدی خواهد کشید. در این میان، «تنقیح قوانین و مقررات» به عنوان مهمترین راهکار حل این معضل از اهمیتی بسیار برخوردار می‌باشد.

آگاهی مردم از قوانین و مقررات، به نحو شفاف و آسان، از زمره حقوق شهروندی است که بدون تنقیح و تدوین قوانین و مقررات محقق نخواهد شد. همچنین شرط لازم پیشگیری از فساد، آگاهی دقیق و شفاف از قوانین و مقررات معتبر و لازم‌الاجراست و بدون تنقیح قوانین و مقررات، کارآمدی نظام سیاسی کشور در معرض آسیب جدی قرار می‌گیرد. تنقیح می‌تواند بر زندگی مردم اثری جدی داشته باشد زیرا با توجه به اصل حاکمیت قانون در جامعه باید بدانیم کدام قانون قابلیت اجرا دارد. اگر ندانیم کدام قانون معتبر است، نمی‌توانیم از حاکمیت قانون صحبت کنیم. دولت، قضات و نمایندگان مجلس باید بدانند کدام قوانین هنوز معتبر هستند و کدام قوانین از اعتبار ساقط شده‌اند.

برآمد

قدرت، نفوذ و تأثیرگذاری قوانین و تعدد توسل به قانون‌گذاری، اندیشمندان را بر آن داشته تا علاوه بر ویژگی‌های عام و شکلی قوانین، ویژگی‌های کیفی آنها را نیز مورد توجه قرار داده و قانون‌گذاری خوب و شایسته را مطرح نمایند. تا راه حلی برای برون رفت از وضع موجود و ارتقای کیفیت قوانین باشد. به عبارت دیگر، هدف اصلی این نظام، ارتقای سطح کیفیت قوانین و غرض‌نهایی آن، ارتقای سطح حکمرانی خوب می‌باشد.

درخصوص اصول قانون‌گذاری شایسته، آنچه در نخستین نگاه مورد توجه قرار می‌گیرد، شیوه نگارش قانون و واژه‌هایی است که در آن بکار می‌رود. بنابراین تمرکز اکثر نظریه‌پردازان حقوقی به اصول و شاخصه‌های شکلی و ماهوی قوانین است. هرچند پرداختن به شیوه نگارش یکی از روش‌های موثر بر قانون‌گذاری شایسته می‌باشد. اما باید اوصاف و ویژگی‌هایی فراتر از این حالت‌ها جستجو کرد. در نظام مبتنی بر قانون‌گذاری شایسته، قوانین و قواعد حقوقی جدای از اینکه باید واجد خصیصه‌های مذکور باشند، باید منجر به کاهش تعداد قوانین و ارتقای کارآمدی و کیفیت هنجارها گردند تا منتج به تحقق اصل حاکمیت قانون گردند. همچنین باید آثار هنجارهای حقوقی را به منظور جلوگیری از آثار نامطلوب و ناخواسته آنها، پیش و پس از تصویب، مورد مطالعه قرار داد و با نقد و تحلیل عواملی که تورم قانون‌گذاری و افت کیفیت قانون و قانون‌گذاری را موجب می‌شود، در مسیر رشد و ارتقای قانون‌گذاری، برای تحقق قانون‌گذاری شایسته گام برداشت.

یکی از مواردی که می‌تواند در تحقق چنین خواسته‌ای، نقش داشته باشد، تنقیح قوانین و مقررات است. تنقیح، فرآیند گردآوری و تدوین قوانین با تعیین مقررات مغایر و متعارض و ناسخ و منسوخ در یک مجموعه می‌باشد. کارکرد تنقیح پسینی، شناسایی قانون حاکم و لازم‌الاجراست، در جایی که تورم قوانین، تعارض چند قانون با هم، پیچیدگی قوانین و... تشخیص قانون حاکم را با دشواری مواجه می‌کند. این امر باعث تحقق اصولی چون؛ شفافیت، انسجام و یکپارچگی، سهولت دسترسی و... می‌شود. تا با آگاه نمودن شهروندان از حقوق خود موجبات تضمین اصل امنیت حقوقی و درگامی فراتر، منجر به تحقق حاکمیت قانون در جامعه گردد. اما عمده نقش و کارکرد تنقیح حین وضع، ناظر به مراحل تقنین بوده که؛ آماده سازی فضای نظام حقوقی برای افزایش

سطح کیفی قوانین، تقنین براساس نیازهای واقعی، کاهش تورم تقنینی یا قانون‌گذاری افراطی، عدم نیاز به اصلاح و نسخ مکرر قوانین، تعیین تکلیف قوانین سابق و... از جمله کارکردهای تقنینی تنقیح حین وضع می‌باشد. فرآیندی که در صورت توجه و اعمال صحیح در مراحل مختلف تقنین و وضع، گامی موثر برای تحقق قانون‌گذاری شایسته می‌باشد.

تلاش این مقاله بر آن بود تا با تبیین نقش‌ها و کارکردهایی که برای تنقیح قوانین ومقررات متصور است، کارکرد تقنینی تنقیح در نظام قانون‌گذاری شایسته را بعنوان یکی از راه‌های ارتقای کیفیت قوانین معرفی نماید. بی‌تردید می‌توان رد پای بسیاری از ناکارآمدی‌ها در عرصه حکمرانی را در تولید قوانین ناکارآمد در نظام تقنینی جستجو کرد. تلاش برای ارتقای کیفیت قوانین می‌تواند در نهایت به تحقق حاکمیت قانون و حکمرانی خوب کمک کند.

منابع کتاب‌ها

- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ه.ق، «*لسان العرب*» تصحیح احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، دار الفکر
- اسلامی پناه، علی، بی تا، «*اصول و ضوابط تنقیح قوانین*» تهران، معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی
- آلتمن اندرو، ۱۳۸۶ «*درآمدی بر فلسفه حقوق*» مترجم بهروز جندقی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
- تقدیسیان، سعید، ۱۳۸۹ «*روشها و آثار تنقیح قوانین و مقررات*»، همایش علمی تنقیح قوانین و مقررات، انتشارات ریاست جمهوری
- جلالی رضا، ۱۳۸۷ «*راهنمای تحلیل نیاز قانون گذاری*» تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس
- راسخ محمد، ۱۳۸۴ «*بنیاد نظری اصلاح نظام قانون گذاری*» تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- رفسنجانی مقدم و حسن پور، ۱۳۹۵ «*نرمینولوژی تنقیح قوانین*» تهران، نگاه بینه شفیع محمد رضا، ۱۳۸۹ «*گزارشی از تاریخچه و فعالیت اداره‌ی کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات*» همایش علمی تنقیح قوانین و مقررات، انتشارات ریاست جمهوری
- صفایی سید حسین، ۱۳۸۹ «*مبانی نظری، ضرورت و اهداف تدوین و تنقیح قوانین و مقررات*» همایش علمی تنقیح قوانین و مقررات، انتشارات ریاست جمهوری طباطبایی مومنی، منوچهر، ۱۳۷۵، «*آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*»، تهران، نشر دادگستر
- فراهدی خلیل بن احمد، ۱۳۸۴ «*لعین*» تهران، جلد ۸ نشر سازمان حج اوقاف و امور خیریه
- لاگلین مارتین، ۱۳۸۸ «*مبانی حقوق عمومی*» ترجمه محمد راسخ، تهران، نشر نی
- مقری بیهقی احمد بن علی، ۱۳۷۹ «*تاج المصادر*» تصحیح هادی عالم زاده، تهران، پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منتسکیو شارل دو، ۱۳۶۲ «روح القوانين» ترجمه‌ی علی اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر
الموتیان ابوالفضل، ۱۳۸۹ «مقدمه‌ای بر اصول و قواعد تنقیح قوانین» تهران، مرکز
پژوهش‌های مجلس
واسطی محب‌الدین و سیدمحمد زبیدی، ۱۴۰۴ ق «تاج العروس من جواهر
القاموس» تصحیح علی شیری، ج ۴، بیروت
ویژه محمدرضا، ۱۳۸۹ «مبانی نظری حق برخورداری از امنیت حقوقی با تاکید
بر نظام ج.ا.ا.» تهران، مجد
ویژه محمدرضا، ۱۳۹۰ «مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی» تهران، جنگل
یزدانی زنور، هرمز (۱۳۸۸)، «بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب»،
فصلنامه حقوق عمومی، ش ۵.

مقاله‌ها

بربان، گی، ۱۳۸۷ «تدوین و تنقیح قوانین: فواید و دشواری‌ها» ترجمه علی اکبر
گرچی، فصلنامه مجلس و پژوهش، ش ۵۶
بیگ زاده، صفر، ۱۳۸۲ «تدوین و گدرد آوری علمی قوانین» مجلس و پژوهش،
شماره ۳۸
راسخ محمد «ویژگی‌های عرضی و ذاتی قانون» مجله مجلس و پژوهش، شماره
۵۱، ۱۳۸۵
راسخ محمد و احمد مرکز مالگیری، ۱۳۹۱ «تبیین اصول تشریفاتی قانون‌گذاری»
تحقیقات حقوقی شماره ۹
سلطانی ناصر، ۱۳۹۳ «علل نافرجامی تدوین قوانین در ایران» فصلنامه پژوهش
حقوق عمومی سال ۱۶، ش ۴۵
شجاعیان خدیجه، ۱۳۹۶ «مؤلفه‌های اصل حاکمیت قانون در پرتو تعریف سازمان
ملل متحد» فصل نامه جستارهای حقوق عمومی سال اول، شماره ۳
عبداله زاده آزاده، ۱۳۹۸ «مبانی نظری بحث پیرامون کیفیت قانون» فصلنامه
پژوهش حقوق عمومی، سال ۲۱، ش ۶۳

عبداله زاده آزاده، ۱۳۹۵ «**قانونگذاری خوب در رویه قضایی: نگاهی به آرای دیوان عالی آمریکا**» فصلنامه مجلس و راهبرد سال ۲۳، شماره ۸۸

عمید زنجانی عباسعلی، ۱۳۸۶ «**تدوین شناسنامه ی قوانین به منظور رشد کیفی قانونگذاری**» فصلنامه ی حقوقی گواه، ش ۱۰

قره باغی، محسن و حبیب الله شاملو (۱۳۸۶)، «تنقیح قوانین و راهکار اجرایی آن»، مجموعه مقالات یکصدمین سال قانون گذاری در ایران، معاونت پژوهشی مرکز پژوهش های مجلس.

کاتوزیان ناصر، ۱۳۸۱ «**پیشنهادهای تشکییل فرهنگستان حقوق به عنوان مرجع تنقیح**» فصلنامه حقوقی گواه، ش ۱۰

مرکز مال میری احمد و مهدی زاده مهدی، ۱۳۹۴ «**قانون گذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران**» پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره ۴۷

موزن زادگان حسنعلی و رهدارپور حامد، ۱۳۹۷ «**اصل شفافیت قانون وجایگاه آن در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران**» فصلنامه دیدگاه های حقوقی، شماره ۸۱

نجفی خواه محسن، ۱۳۸۹ «**بررسی طرح یک فوریتی تدوین و تنقیح قوانین و مقررات**» فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، ش ۱۱،

وکیلان حسن و احمد مرکز مال میری، ۱۳۹۵ «**مقدمه ای بر فلسفه قانون گذاری در تکاپوی ارتقای کیفیت قانون**» فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۱